

پیکاسو در لاین آژیل

(برنده‌ی دو جایزه‌ی بهترین نمایشنامه و بهترین نمایشنامه‌نویس از انجمن
منتقدان خارج از برادوی نیویورک در سال ۱۹۹۶)

استیو مارتین

ترجمه‌ی مجید مصطفوی



سرشناسه: مارتین، استیو، ۱۹۴۵-م. Martin, Steve

عنوان و نام پدیدآور: پیکاسو در لاپن آژیل / استیو مارتین؛ ترجمه‌ی مجید مصطفوی.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات شِوند، ۱۳۹۶. ● مشخصات ظاهری: ۱۱۶ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۵۸۲-۴-۴ ● وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Picasso at the Lapin Agile and other plays, c1996

موضوع: نمایشنامه آمریکایی — قرن ۲۰ م. ● موضوع: 20th century -- American drama

شناسه افزوده: مصطفوی کاشانی، مجید، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ پ/۹۷۶/الف/۳۵۶۳ PS ● رده‌بندی دیویی: ۷۱۲/۵۴ ● شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۴۶۳۷۳۲۴

Picasso at the Lapin Agile

Steve Martin

Majid Mostafavi



تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از میدان ولیعصر، کوچه‌ی روشن، پلاک ۱، طبقه‌ی ۲، واحد ۵

کد پستی: ۱۴۱۵۸۵۳۴۴۶ تلفن: ۸۸۳۹۲۷۰۲ - ۰۲۱ نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۹۲۷۰۲

ناشر: شِوند

پیکاسو در لاپن آژیل استیو مارتین مجید مصطفوی

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۶، تهران تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه قیمت: ۹۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: طهرانی

طرح روی جلد از میثم پارسا

ISBN: 978-600-96582-4-4

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۵۸۲-۴-۴

Printed in Iran

حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست

۷	مقدمه‌ی مترجم
۱۵	بازیگران/ شخصیت‌ها/ زمان/ مکان
۱۷	پیکاسو در لاپن آژیل
۹۱	پیوست ۱: در قفس پرنده/ استیو مارتین
۱۰۹	پیوست ۲: گفتگو با استیو مارتین درباره‌ی نمایشنامه‌هایش/ فرانک ریزو

مقدمه‌ی مترجم

دوره‌ی نویسنده

استیو مارتین (با نام اصلی استیون گلن مارتین)، بازیگر، کمدین، نویسنده، نمایشنامه‌نویس، تهیه‌کننده و نوازنده‌ی بانجو در ۱۴ آگوست ۱۹۴۵ زاده شد. در سال ۱۹۵۵، در دوران تحصیل در مدرسه، در تعطیلات تابستانی در دیزلند به کار فروش نشریه‌ها و کتابچه‌های راهنما پرداخت که سه سال این کار ادامه داشت. در همین زمان، او شعبده‌بازی را فراگرفت و در سال ۱۹۶۰ به طور حرفه‌ای به این کار مشغول شد. تحصیلات دانشگاهی خود را در کالج سانتا آنا در رشته‌ی تئاتر و ادبیات انگلیسی گذراند، و در همین ایام، با دوستانش به یک گروه تئاتری پیوست و در اوقات فراغت در تئاتر کوچک به نام برد کیج (قفس پرنده) در مزرعه‌ی ناتبری، به بازیگری پرداخت. پس از آن، مارتین در دانشگاه لانگ بیچ کالیفرنیا در رشته‌ی فلسفه به تحصیل مشغول شد، اما بعد از مدتی از ادامه‌ی تحصیل در رشته‌ی فلسفه منصرف شد و در سال ۱۹۶۷ به دانشگاه کالیفرنیا (یوسی ال ای) رفت و به تحصیل تئاتر پرداخت. طی همین دوران در کلوب‌های محلی، بازیگری و استندآپ کمدی را تجربه کرد.

در سال ۱۹۶۷ مارتین که به نویسندگی علاقه داشت، با نوشتن متن‌شو‌ها و برنامه‌های تلویزیونی فعالیت‌های نگارشی خود را آغاز کرد،

و در سال ۱۹۶۹، در بیست و سه سالگی، همراه با بقیه‌ی نویسندگان یک مجموعه‌ی تلویزیونی برنده‌ی جایزه‌ی امی شد. نخستین بازی او در تلویزیون در سال ۱۹۶۹ در شوی استیو آلن بود. دهه‌ی ۱۹۷۰ شاهد موفقیت‌های گسترده‌ی او در تلویزیون بود و او یکی از پُرطرفدارترین شومن‌های تلویزیون امریکا شد. در همین ایام آلبوم‌های کمدی خود را نیز منتشر کرد که با استقبال فراوان روبرو شد و در سال‌های ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ دو جایزه‌ی معتبر گرمی را به دست آورد.

مارتین در سال ۱۹۸۱ استندآپ کمدی را کنار گذاشت و به بازیگری و کارگردانی در سینما، و هم‌زمان با آن، به فیلمنامه‌نویسی و نوشتن مقالاتی در نشریات معتبر نیویورکر و نیویورک تایمز پرداخت. نخستین فیلمنامه‌اش، مستخم گیس (۱۹۷۷) نامزد جایزه‌ی اسکار شد و بسیاری از فیلمنامه‌های بعدی او نیز برنده‌ی جوایز زیادی شدند. مهم‌ترین فیلمنامه‌های او عبارتند از: رفیق (۱۹۸۶)، رُکسان (۱۹۸۷) - برنده‌ی جایزه‌ی اتحادیه‌ی نویسندگان امریکا)، داستان لُس آنجلس (۱۹۹۱)، بوفینگر (۱۹۹۹)، پلنگ صورتی (۲۰۰۶)، پلنگ صورتی ۲ (۲۰۰۹) و اردوگاه جادویی (۲۰۱۷).

دهه‌ی ۱۹۸۰ به اوج شهرت و محبوبیت در عرصه‌های بازیگری در سینما و نویسندگی و نوازندگی رسید و جایزه‌ی مهمی در سینما و موسیقی و نویسندگی، ازجمله جوایز امی، گرمی اتحادیه‌ی نویسندگان امریکا و یک جایزه‌ی اسکار افتخاری به دست آورد. مارتین در سال ۱۹۹۳ نخستین نمایشنامه‌ی بلندش، پیکاسو در لاپن آژیل را نوشت و اولین نمایشنامه‌خوانی آن را در منزل مسکونی خود اجرا کرد که تام هنکس در نقش پیکاسو و کریس ساراندون در نقش آینشتین روخوانی کردند. در همان سال نمایشنامه در شیکاگو روی صحنه رفت و تا یک سال اجرا داشت. پس از آن‌که نمایش با

استقبال و ستایش منتقدان و مردم روبرو شد، اجراهای دیگری در لُس‌آنجلس، بُسْتُن، نیویورک و شهرهای دیگر امریکا روی صحنه رفت و همه جا از آن استقبال شد.

او پس از نوشتن نمایشنامه‌ای تک‌پرده‌ای به نام وِسپ (اصطلاحی که به پروتستان‌های سفیدپوست اروپایی تبار از نژاد انگلوساکسون در امریکا گفته می‌شود) (۱۹۹۵) درباره‌ی یک خانواده‌ی طبقه‌ی متوسط در دهه‌ی ۱۹۵۰، در سال ۲۰۰۲ نمایشنامه‌ی دیگری به نام زیرشواری نوشت که یک کم‌دی سیاه بود و در برادوی نیویورک روی صحنه رفت.

استیو مارین، از نویسندگان بر این، در زمینه‌ی داستان‌نویسی هم فعال بوده است. مهم‌ترین داستان‌های دختر فروشنده (۲۰۰۰) و لذت مصاحبت من (۲۰۰۳) هستند که هر دو در باب، فروش فوق‌العاده‌ای داشتند. دختر فروشنده در سال ۲۰۰۴ با کارگردانی آناند تاکر به صورت فیلمی سینمایی ساخته شد که فیلمنامه‌ی آن را مارتین نوشت و خود او، همراه با کلر دینز، در آن بازی کرد. این فیلم در جشنواره‌های تورنتو، شیکاگو و آستین به نمایش درآمد.

او در سال ۲۰۰۷ زندگینامه‌ی خود را با نام بیستاده زاده شدن نوشت که در رده‌بندی کتاب‌های غیرداستانی سال ۲۰۰۷ نشریه‌ی تایم، در رده‌ی ششم قرار گرفت و تایم آن را «کتاب حاضرانی بامزه، تکان‌دهنده، و به شکل غیرمنتظره‌ای صادقانه» توصیف کرد. مارتین همچنین در دهه‌ی ۱۹۹۰ مقالات زیادی در نشریه‌ی معتبر نیویورکر منتشر کرد که یک نمونه از آن‌ها، که نوعی حدیث نفس است، در این کتاب آمده است.

درباره‌ی لاپن آژیل

لاپن آژیل نام کافه‌ای در پاریس است که در میانه‌ی قرن هجدهم راه‌اندازی شد. اما قبل از این نام، آن را «کاباره‌ی آدمکش‌ها» می‌نامیدند، زیرا مشهور بود که گروهی آدمکش به آن حمله کرده و پسر صاحب کاباره را کشته‌اند. در سال ۱۸۷۵ آندره ژیل، نقاش فرانسوی، طرحی برای سردر کاباره کشید که در آن خرگوشی از درون قابلمه‌ای بیرون می‌دهد و پس از آن مشتریان و اهالی محل نام کاباره را «لو لاپن آ ژیل» گذاشتند که به معنی «خرگوش ژیل» است. اما در طی زمان، با کمی تحریف در واژه‌ی ژیل، به کاباره‌ی لاپن آژیل (به معنای «کاباره خرگوش چوبی») تغییر یافت.

لاپن آژیل در محله‌ی مونمارتر قرار دارد و به دلیل این که این محله در سال‌های اولیه‌ی قرن بیستم قلب هنری پاریس، و جولانگاه هنرمندان و شاعران و نویسندگان بود، خیلی زود به پاتوق محبوب هنرمندان و نویسندگانی نظیر پیکاسو، مردیلیانی، آپولینر و اوتریلو، و محلی برای قیل و قال‌های روشنفکران تبدیل شد. اما در عین حال، یکی از ویژگی‌های این کافه، رفت و آمد آدم‌های حاشیه‌ای نامتعارفی نظیر آنارشویست‌ها، قوادها، آدم‌های آس و پیاس و واگرد، دانشجویانی از محله‌ی کارتیه لاتن، و حتی گاهی هم بورژوازی ثروتمند بود.

لاپن آژیل در سال‌های اخیر به یکی از نقاط گردشگری پاریس تبدیل شده و بسیاری از مردم به دیدن آن می‌روند، پشت میزهای چوبی آن، که حروف اول اسامی افرادی که در دهه‌های گذشته پشت آن‌ها نشسته بودند بر آن‌ها حک شده است، می‌نشینند و به آهنگ‌ها و ترانه‌های فرانسوی که از قرن پانزدهم به بعد در این کافه نواخته می‌شد گوش می‌دهند.

پابلو پیکاسو در سال ۱۹۰۵ یک تابلوی رنگ و روغن به نام در لاپن آژیل کشید که باعث شهرت جهانی این کافه شد. در این تابلو، که اکنون به شمایی از زندگی کولی‌وار پاریس تبدیل شده است، پیکاسو لباس دلقک‌ها را به تن دارد و معشوقه‌ی جدیدش، ژرمن پیشو، کنارش نشسته است. پیکاسو این نقاشی را به سفارش فردریک ژرار، صاحب لاپن آژیل، که تصویر او در همین تابلو در حال گیتار نواختن است، کشیده بود.

درباره‌ی نمایشنامه

این نمایشنامه که رواقع از نقاشی مشهور پیکاسو الهام گرفته شده، شرح ملاقات جالبی پابلو پیکاسو و آلبرت آینشتین در لاپن آژیل است. رویدادهای نمایشنامه در سال ۱۹۰۴ می‌گذرد که هردوی این نوابغ هنر و علم، در پاریس - فرانسه و در آستانه‌ی خلق یکی از شاهکارهای زندگی خود هستند: آینشتین با نظریه‌ی نسبیت (که در سال ۱۹۰۵ منتشر شد) و پیکاسو با تابلوی معروف‌اش دوشیزه‌گان آوینیون (که در سال ۱۹۰۷ خلق کرد). آن‌ها در این کافه با هم آشنا می‌شوند و درباره‌ی هنر، علم، زن‌ها، ارزش‌های هنر و استعداد به بحث و گفتگو می‌پردازند و هر کدام خود را پیشگام عصر جدید، آغاز قرن بیستم، می‌دانند. شخصیت‌های دیگر نمایشنامه، آدم‌های مرزنده و پرجوش و خروش بارهای پاریس، هم در این مباحثه‌ها مداخله و اظهارنظر می‌کنند و گفتگوهای جذاب و مطایبه‌آمیزی درباره‌ی درون‌مایه‌های تفکربرانگیزی چون علم، هنر، تناثر، نقاشی، شهرت، خلاقیت، رابطه‌ی زنان و مردان، آدم‌های مشهور و دستاوردهای بزرگ قرن بیستم با طنز و شوخ‌طبعی در سراسر نمایشنامه جاری می‌شود. این نخستین نمایشنامه‌ی بلند استیو مارتین است. او ابتدا یک

برنامه‌ی نمایشنامه‌خوانی در منزل شخصی خود برگزار کرد که تام هنکس و کریس ساراندون نقش‌های پیکاسو و آینشتین را روخوانی کردند. پس از آن، مارتین یک کارگاه نُه‌روزه نمایشنامه‌خوانی در ملبورن استرالیا تشکیل داد که دو اجرای عمومی روی صحنه هم داشت. سرانجام در ۱۳ اکتبر ۱۹۹۳ اجرای صحنه‌ای نمایشنامه در سالن تئاتر استپن وولف شیکاگو افتتاح شد که پس از یک سال اجرا و موفقیت زیادی که کسب کرد در لس‌آنجلس، و در نهایت نیویورک، به نمایش گذاشته شد. این نمایش در شهرهای دیگر آمریکا نیز روی صحنه رفت و همه جا از آن استقبال شد. مارتین چند بار تلاش کرد نسخه‌ی سیمایی آن را هم بسازد اما هیچ کدام به نتیجه نرسید.

در سال ۲۰۰۹ قرار بود نمایشنامه در مدرسه‌ای در شهر لاگراندا ایالت اورگن به نمایش گذاشته شود، اما والدین دانش‌آموزان که درونمایه‌ی نمایشنامه را مناسب دانش‌آموزان نمی‌دانستند، از مدیران مدرسه خواستند که از نمایش آن جلوگیری کنند. مارتین در پاسخ به آنان، در نامه‌ی سرگشاده‌ای که در روزنامه‌ی «حلب آیزور» چاپ شد، نوشت که دانش‌آموزان به‌خوبی آگاه هستند که رفتارهای سوال‌برانگیزی که گاهی در نمایشنامه دیده می‌شود مورد تأیید نیست. او در این نامه با اشاره به این‌که بعضی‌ها نمایشنامه را درباره‌ی «مهم‌هایی که در کافه‌ها مشروب می‌نوشتند و به زن‌ها به چشم کالایی جنسی نگاه می‌کنند» می‌دانند، نوشت «مثل این می‌ماند که، با عرض معذرت از شکسپیر، نمایشنامه‌ی هملت را درباره‌ی یک قلعه بدانیم». او حتی پیشنهاد کرد می‌توان نسخه‌ی دیگری نوشت که مکان آن جای دیگری باشد زیرا نمی‌خواهد این نمایشنامه «شهرتی را که استحقاق‌اش نیست» به دست بیاورد.

مارتین در مصاحبه‌ای، انگیزه‌اش برای نوشتن این نمایشنامه را نیاز

به انجام کاری متفاوت از بازیگری دانسته و گفته است در بازیگری به اندازه‌ی کافی حرف زده و دیگر حرف تازه‌ای برای گفتن در این باره ندارد. از سوی دیگر، به نوشتن نیز تمایل بیشتری داشته است و پس از دیدن نمایشی کمدی در نیویورک، به این نتیجه رسیده که نوشتن نمایشنامه و خندانیدن مردم در سالن نمایش، استعدادی می‌خواهد که کار هرکسی نیست. او تصمیم می‌گیرد دست به این تجربه بزند. در همان زمان، او در حال خواندن کتاب زندگی پیکاسو، نوشته جان ریچاردسن^۱ بوده و تحت تأثیر کتاب، و علاقه‌ای دیرین که به پیکاسو داشته به این فکر می‌افتد که درباره‌ی او بنویسد. او احساس می‌کرد حرفی برای گفتن دارد که باید گفته شود. این که هنر و علم در خلاقانه‌ترین سطح به یک صورت عمل می‌کنند. متفکران عرصه‌های هنر و علم، برپای خلاقانه و اسرارآمیزی دارند که تابع هیچ قاعده‌ای نیست.

۱. John Richardson؛ (متولد ششم فوریه ۱۹۲۴) مورخ هنر انگلیسی که از جوانی با پیکاسو و سایر نقاش‌های هم‌عصر او دوستی داشته و نمایشگاه‌های آنان را در انگلستان و آمریکا برگزار کرده است. مقالات زیادی درباره‌ی پیکاسو منتشر کرده و زندگینامه‌ی جامعی درباره‌ی او نوشته که تاکنون سه جلد آن، در سال‌های ۱۹۹۱، ۱۹۹۶ و ۲۰۰۷ چاپ و منتشر شده است.